

آماده کردن میدان جنگ

سیمور هرش

*قالون: بگذارید جدی باشیم. 80 میلیون آدم در ایران زندگی میکنند و هر کدام آنها یک فرد هستند. این تصور که همه آنها یا اینطور یا آنطور هستند، ابلهانه است.

*مشاور سابق پنتاگون: نیروهای ویژه جدید با مجاهدین خلق کار میکنند و دولت بوش بی صبرانه منتظر نتیجه است... فقط اگر مردم میدانستند چقدر به حساب های بانکی مجاهدین میروند...

<http://www.roshangari.net>



روشنگری. مقاله اخیر سیمور هرش نشان میدهد جنگ کم شتاب بین آمریکا و رژیم اسلامی که از قبل شروع شده بود، اکنون سرعت خطرناکی به خود گرفته بطوریکه تعداد زیادی کشته بر جای میگذارد. بدتر آنکه به گفته مرتبیین با مقامات امنیتی آمریکا بکار گیری مزدوران محلی هم بهانه تشدید سرکوب به رژیم میدهد و هم بهانه دخالت نظامی بیشتر به دولت بوش. مقاله همچنین نشان میدهد دفتر دیک چنی باحل مسالمت آمیز مناقشه هسته ای مخالف است و با بی صبری و با فشار برای پیاده کردن مدل عملیات سومالی در ایران تلاش میکند کشمکش را بطرف برخورد نظامی مستقیم سوق دهد. یوشکا فیشر به هرش میگوید بسته پیشنهادی جدید اروپا حاوی عنصر جدیدی است که راه را برای پذیرش ایران باز میکند، اما او تردید دارد که کاخ سفید به این تن در دهد. اطلاعات مهمی که هرش در مقاله داده است برای ایرانیان یک بار دیگر این سوال را پیش می آورد رژیم ایران تا کجا میخواهد آب به آسیاب چنی و گروه مدافع حمله نظامی بریزد و آیا وحشت از مردم این رژیم را به جایی کشانده که به استقبال تهدید خارجی هم میروند.

در زیر نکات عمده مقاله گزارش شده است. باید یادآوری کرد در متن برخی گروه های سیاسی به رسم رسانه های خارجی تحت عنوان ملیت یا مذهب آنها خوانده شده اند که امری خطاست. روشن است که مسوولیت اقدامات گروه های سیاسی را نمیتوان به حساب مردم نوشت، همچنان که مسوولیت اعمال رژیم ایران را نمیتوان به حساب مردم ایران گذاشت.

آماده کردن میدان جنگ

دولت بوش عملیات سری علیه ایران را تشدید کرده است
نیویورک، 7 جولای 2008

*کنگره آمریکا سال گذشته با تامین بودجه 400 میلیارد دلاری برای تشدید عملیات سری در ایران موافقت کرد. عملیات مخفی شامل حمایت از اقلیت عرب اهواز و گروه های بلوچ و دیگر سازمان های مخالف است و جمع آوری اطلاعات در مورد برنامه هسته ای ایران را هم در بر میگیرد.

*عملیات سری در ایران بدون سابقه نیست. نیروهای عملیاتی ویژه ایالات متحده از سال گذشته با تصویب رئیس جمهور عملیات فرامرزی را از جنوب عراق پیش میبرند. این عملیات از جمله شامل گرفتن اعضای القدر، سپاه قدس، م، و بازجویی از آنها و تعقیب هدف های درجه یک، در جنگ با ترور رئیس جمهور و دستگیری یا کشتن آنها میشود. ولی عملیات کنونی در ایران که سازمان سیاو ستاد فرماندهی مشترک ویژه JSOC هم در آن شرکت دارند، ابعاد و دامنه بسیار گسترده تری دارد.

* پروژه رئیس جمهور شامل کار با گروه هایی از اپوزیسیون و انتقال پول است و طیف گسترده ای از فعالیت ها در جنوب ایران و نواحی شرقی ایران را که در آنجا گروه های مخالف بلوچ قوی هستند در برمیگیرد.

*علیرغم ناراحتی تعدادی از نمایندگان از برخی بخش های طرح و دامن گرفتن بحث، سرانجام طرح در کنگره ای که بعد از انتخابات 2006 تحت کنترل دمکرات هاست تصویب شد. به عبارت دیگر برخی از اعضای رهبری حزب دمکرات درخفا مایلند پروژه بوش برای عملیات سری در داخل ایران به پیش رود، این در حالی است که نامزد حزب، باراک اوباما در موضع گیری رسمی خود گفته است طرفدار راه دیپلماتیک و مذاکره است.

*درخواست تامین بودجه پروژه عملیات سری همان زمان به کنگره داده شد که گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا منتشر شد و در آن نتیجه گیری شده بود ایران کار روی تولید سلاح هسته ای را در سال 2003 متوقف کرد. بوش، رابرت گیتس، کندولیزاریس، جان مک کین و دیگران گزارش مزبور را زیر سوال بردند و همزمان دولت بوش اتهامات مربوط به دخالت ایران در عراق و کشتن آمریکایی ها را دو باره مطرح کرد. رسانه ها، از جمله تایمز صحت این ادعا را مورد سوال قرار دادند.

* رهبران نظامی و غیرنظامی پنتاگون با نگرانی کاخ سفید در مورد برنامه اتمی ایران موافقت ولی برخی از آنها در مورد اینکه حمله نظامی راه حل درستی است تردید دارند. رابرت گیتس در یک جلسه غیررسمی با کمیته دموکراتیک سنا در سال گذشته در مورد عواقب یک حمله پیشگیرانه به ایران هشدار داد و گفت: «ما نسلی از جهادی ها خلق خواهیم کرد که نوادگان ما باید با دشمن در اینجا، درون آمریکا، بجنگند». دموکرات ها از این اظهار نظر گیتس جاخوردند و یکی پرسید آیا او از طرف بوش و دیک چنی صحبت میکند. گیتس پاسخ داد: «بگذارید بگویم اینجا من از طرف خودم صحبت میکنم».

ترور, مجاز: قتل های نشانه گیری شده

* رئیس ستاد مشترک، آدمیرال مایک مولن تلاش میکرد فشار کاخ سفید برای حمله نظامی به ایران را عقب براند. بعلاوه حداقل ده فرمانده نظامی چهار ستاره، با تجربه مستقیم در عملیات نظامی در سراسر جهان طی جنگ با ترور، بوش، در مخالفت با حمله نظامی نقش بازی میکنند. برجسته ترین آنها آدمیرال فالون است که در ماه مارس گذشته به خاطر مصاحبه های خود، زیر فشار استعفا داد. فالون در صحبتی با هersh در ماه ژوئن گفت: «خیلی ها فکر میکنند شما باید یا موافق یا مخالف ایرانی ها باشید. بگذارید جدی باشیم. هشتاد میلیون آدم در این کشور زندگی میکنند و هرکدام آنها یک فرد هستند. این تصور که همه آنها یا اینطور یا آنطور هستند، ابلهانه است». او در ادامه همین صحبت با هersh در مورد جنگ عراق گفت: «آیا در باره برخی چیزها که پیشنهاد شده حرفی زدیم. بعضی از آنها خیلی احمقانه است».

* منابع هersh از موافقت رهبری حزب دموکرات با پروژه سری ابراز ناراحتی کردند و گفتند برنامه دقیقی برای نظارت بر پروژه وجود ندارد و در مورد آن توافق صورت گرفته است. به گفته یکی از منابع هersh یک نکته مهم این پروژه عملیاتی تحت عنوان *potential defensive lethal action* [عملیاتی که میتواند به قتل در حالت تدافع منجر شود.م] است. هersh یادآوری میکند آندرو کابرن در ماه مه بخش هایی از این پروژه را در سایت اینترنتی کانتر پانچ منتشر کرد. [این مقاله قبلا در روشنگری بازتاب شده و آنرا میتوانید در بخش روابط ایران و آمریکا یا در لینک زیر مقاله بخوانید].

بعلاوه ممکن است تصویری که برخی از اعضای دموکرات کنگره از عملیات سری در ایران دارند با درک بوش تفاوت داشته باشد. در تفسیر بوش از قانون، عملیات سری نظامی برخلاف عملیات سری سیا، نیازی نیست بطور مشخص در پروژه نام برده شود، زیرا بر مبنای قانون به رئیس جمهور حق داده شده عملیات نظامی در جبهه جنگ را بدون دخالت کنگره فرماندهی کند. ولی همیشه مرز مشخصی بین دو نوع عملیات وجود ندارد. در ایران، ماموران سیا و عوامل محلی آنها مهارت های زبانی و اطلاعات راجع به محل دارند که از آنها برای ایجاد ارتباط برای عملیات ستاد مشترک فرماندهی JSOC استفاده میشود و از پایگاه ناشناخته ای واقع در غرب افغانستان با آنها کار کرده و برای تامین و انتقال پرسنل، مواد و پول به داخل ایران اقدام میکنند. در نتیجه به کنگره اطلاعات کامل داده نشده که پول چطور بکار میرود. یکی از ماموریت های نیروهای ویژه در پروژه بوش مسکوت مانده است: تعقیب هدف های دارای ارزش بالا، *high-value targets*.”

حالا بیش از پیش در پیش در کنگره درک میشود که در سالهای اخیر دولت بوش مرز بین عملیات نظامی و عملیات جاسوسی را در هم ریخته تا کنگره را از وقایع بی اطلاع بگذارد. دولت بوش با این کار ماموران سیا را که فقط مجازند در عملیات جاسوسی شرکت کنند در عملیات مربوط به قتل های نشانه گیری شده شرکت میدهد، بدون اینکه به کنگره گزارش دهد. این امر موجب شد کنگره ژنرال مایکل هایدن را برای توضیح در مورد زبان مبهم پروژه و اصطلاح عملیات *defensive lethal action*، فرا بخواند. هایدن اطمینان داد اصطلاح به کار برده شده فقط به عملیاتی در درون ایران اشاره دارد که طی آن ماموران آمریکایی با خطر دستگیری یا نوعی دیگر از تهدید روبرو هستند و برای فرار از آن به قتل دست میزنند. اما همه نمایندگان راضی نشدند و یکی از آنها در مورد مفهوم مصوبه به پرزیدنت بوش نوشت: «اقدام به قتل نه، تمام». او تا ماه ژوئن جوابی از کاخ سفید نگرفته است.

* به خاطر تردیدهایی که طرح بوش در میان قانونگذاران وجود آورده هersh به چهار نفر از دارو دست 8 نفره، در رهبری حزب دموکرات مراجعه کرد یعنی: هری رید رهبر اکثریت سنا، نانسی پلوسی سخنگوی کنگره، جان راکفلر رئیس کمیته اطلاعاتی سنا و سیلورستر ریز رئیس کمیته اطلاعاتی کنگره. ولی همه آنها به بهانه فوق سری بودن پروژه از پاسخ خودداری کردند.

* یکی از اعضای کنگره به هersh گفت حتی اگر دموکرات ها در ماه نوامبر پیروز شوند، یک سال طول خواهد کشید تا ما اطلاعات مربوط فعالیت های جاسوسی را تحت کنترل بگیریم، اما او گفت: «کنترل پول در دست ماست و آنها بدون پول هیچکاری نمیتوانند بکنند. اما من در مورد این دولت خیلی مشکوکم. این دولت خیلی رازدار بوده است».

عراق فدای هموار کردن راه مداخله نظامی در ایران

* هersh در مورد عزل فالون می نویسد طنز قضیه این است که در مورد خطر ایران، فالون از جوانب بسیار با بوش موافق است. خود او به هersh گفت که روابط کاری خوبی با بوش داشته است. فالون در 4 مارس، قبل از استعفايش در مقابل کمیته نیروهای مسلح سنا در مورد نقش ایران در عراق گفت: «آنها مطلقا کمک نمیکنند، بسیار مخرب هستند و من مطلقا هیچیک از عملیات آنها را قابل بخشش نمیدانم. و از زمانی که در اینکار بوده ام چیز مثبتی از آنها در این منطقه ندیده ام». فالون در صحبت با هersh گفت وقتی فرماندهی نیروهای منطقه را بر عهده گرفت با این مساله روبرو شد که ایرانی ها به همه گروه های مخالف کمک میکنند؛ این به نفع آنها بود که ما را از آنجا برانند. بنابراین مصمم بودند هرچه بیشتر آمریکایی بکشند. و چرانه؟ آنها نمیدانستند چه نیرویی بالا می آید ولی میخواستند ما را برانند. من به این نتیجه رسیدم که مساله عراق را بدون مساله همسایه هایش نمیتوان حل کرد. برای حل مساله عراق ما باید عراق و سوریه را درگیر میکردیم و من باید در مورد همسایه ها کار میکردم».

فالون گفت تمرکز او مساله هسته یا تغییر رژیم نبود، خاموش کردن شعله های آتش در عراق بود. به گفته او در واشینگتن مداوما بر سر مذاکره یا بمباران ایران بحث بود؛ من معتقد بودم بمباران فقط وقتی باید صورت بگیرد که ایران کار احمقانه ای

بکند.

* بازنشستگی پیش از موعد فالون فقط به علت اظهارات منفی او در باره بمباران ایران نبود بلکه همچنین به علت اعتقاد فوی او بهزنجیر فرماندهی و اصرار او به اطلاع از عملیات ویژه در حوزه مسوولیت خودش بود. یکی از مدافعان او ژنرال جان شیپان فرمانده نیروهای آمریکا در آتلانتیک بود که بوش سال گذشته به او پیشنهاد کرد نقش تازه ابداع شده تزار، رئیس جمهور در عراق و افغانستان را بپذیرد ولی او این پیشنهاد را رد کرد. شیپان که اکنون بازنشسته شده است به هرش گفت دلیل گزینش فالون به فرماندهی کل این بود که او یک متفکر استراتژیک است و به او وظیفه داده شده بود که یک استراتژی جامع برای عملیات مخفی و غیر آن در ایران، عراق و افغانستان طراحی کند. و بر اساس قانون، فرمانده کل نیروهای رزمی مسئول کلیه عملیات نظامی در تمامیت آن است. ولی قانون در دوره بوش اجرا نمی شود. وقتی فالون استراتژی خود را ارائه داد گروه کوچکی در کاخ سفید ترتیبی دادند که او کنار گذاشته شود. دولت بوش طرح هایی را تصویب کرد که نقش زنجیر فرماندهی تکه پاره شده و تضعیف شود.

شیپان اضافه کرد یک استراتژی هماهنگ پیش برده نمی شود. یک گروه کوچک غیرنظامی و فاقد دانش های لازم خارج از زنجیر فرماندهی عملیات را اداره میکنند. یکی از همکاران فالون به هرش گفت وقتی فالون مسوولیت را برعهده گرفت به او گفت چیزهای عجیبی در عملیات ویژه اتفاق می افتد. بررسی این چیزهای عجیب، سرخ ماجرا را به دیک چنی مربوط میگرد. یک مشاور پنتاگون به هرش گفت: فالون را پائین کشیدند چون میخواست از حمله به ایران جلوگیری کند و این کار او قابل تحسین است.

گسترش بی سابقه ترور و عملیات خرابکارانه در ایران

* هرش می نویسد در ماه های اخیر براساس گزارشات رسانه های ایران، اقدامات خشونت آمیز افزایش یافته است. در این مرحله مقدماتی غیرممکن است بتوان نقش ستاد مشترک ویژه یا سیا یا تاثیر آن بر رهبران ایران را ارزیابی کرد. گزارشات رسانه های ایران با دقت توسط سرهنگ نیروی هوایی سام گاردینر ثبت و تعقیب میشود. او در کالج ملی جنگ، استراتژی تدریس میکند و حالا فرضیه های جنگی war games در ایران را برای دولت آمریکا، شبکه های حمایتی و دانشگاه ها هدایت میکند. گاردینر به هرش میگوید: رسانه های ایران در مورد کشتارهایی که در داخل کشور صورت میگیرد خیلی باز عمل میکنند. رسانه هایی که تحت کنترل هستند و همین بر اهمیت این موضوع می افزاید که آنها همه این چیزها را گزارش میکنند. ما شروع کرده ایم به داخل حکومت نگاه کنیم. به زحمت روزی میگذرد که جایی درگیری صورت نگیرد. تنها در یکی از آخر هفته های اخیر 4 درگیری بوده است و ایرانی ها حتی افسران سپاه را که کشته شده اند نام می برند. در اوایل امسال یک گروه اهوازی ادعا کرد یک سرهنگ سپاه را کشته است و حکومت ایران تایید کرد انفجار مرکز فرهنگی شیراز که به کشته شدن حداقل دوازده نفر و زخمی شدن بیش از 200 نفر انجامید. یک عمل تروریستی بوده نه آنطور که قبلا اعلام شده بود یک حادثه. نمیتوان از دخالت آمریکا در این حوادث مشخص اطلاع به دست آورد ولی گاردینر گفت ایرانی ها اکنون شروع کرده اند به آنکه از آمریکا، انگلیس و اخیرا از سیا به عنوان مسوول این حوادث نام ببرند. این پدیده جدیدی است و حکایت از اوج تنش دارد. به نظر گاردینر این نوع خشونت ها حکومت مذهبی ایران را نه تضعیف بلکه تقویت میکنند.

* بسیاری از عملیات توسط مخالفان حکومت در ایران انجام میشود نه توسط آمریکایی ها. اشکالی که، انتقال پول، در عملیات سری این است که کنترل اینکه پول به کجا میرود دشوار است. به گفته یک افسر سابق اطلاعاتی انتقال پول و اسلحه باعث افزایش عملیات شده است و این رژیم ایران را قادر میکند بگوید اپوزیسیون از آمریکا الهام میگیرد. او نیز تایید میکند یک نتیجه احتمالی این عملیات میتواند این باشد که ایرانی ها به سرکوب شدید گروه های اپوزیسیون متوسل شوند که به دولت بوش بهانه ای برای دخالت میدهد.

* ولی نصر به هرش گفت آمریکا در مورد تنش ملی در ایران بیش از حد حساب باز کرده است. به گفته او گروه هایی که آمریکا به آنها متوسل شده کوچک و حاشیه ای هستند و نمیتوانند تاثیر زیادی بر حکومت یا اوضاع سیاسی بگذارند. او گفت، شما همیشه میتوانید یک گروه فعال را گیر بیاورید که مایل باشند بروند و یک پلیس را بکشند، ولی این نتیجه معکوس خواهد داد و اکثریت جمعیت را برخواهد انگیخت.

جندالله

* رابرت بائر یک افسر سابق عملیات مخفی با دو دهه تجربه در خاورمیانه و جنوب آسیا به هرش گفت استفاده آمریکا از بلوچ ها مساله ساز است. او گفت: بلوچ ها سنی های بنیادگرا هستند. آنها از رژیم تهران نفرت دارند ولی میتوانند آنها را نوعی القاعده بدانند. این ها سر کافران، در این مورد شیعه های ایران، را می برند. طنز آمیز این است که ما دوباره داریم با سنی های بنیادگرا کار میکنیم، درست کاری که در افغانستان در سالهای هشتاد کردیم. هرش یادآوری میکند رمزی یوسف که به خاطر بمب گذاری در مرکز تجارت جهانی در سال 1993، محکوم شد و خالد شیخ محمد که او را یکی از سازماندهندگان حمله 11 سپتامبر میدانند هر دو از بنیادگرایان سنی بلوچ هستند.

* نصر در مورد گروه جندالله به هرش گفت: این یک سازمان سلفی تبهکار است که اعضایش در همان مدرسه هایی تربیت شده اند که طالبان و افراطیون القاعده و آنها با قاچاق مواد مخدر هم دست دارند. جندالله مسوولیت بمب گذاری در یک اتوبوس حامل سربازان سپاه در فوریه 2007 را که در آن حداقل 11 عضو سپاه کشته شدند برعهده گرفت. به گفته بائر جند الله از گروه هایی است که از حمایت آمریکا سود می برد.

مجاهدین خلق و پژاک

* هرش در ادامه می نویسد سیا و نیروهای عملیات ویژه همچنین از دیرباز با دو گروه دیگر ارتباط دارند: مجاهدین خلق و پژاک.

مجاهدین خلق بیش از یک دهه در لیست تروریست‌های آمریکا هستند. با وجود این اخیراً مستقیماً و غیر مستقیم از آمریکا اسلحه و اطلاعات دریافت کرده‌اند. یک مشاور سابق پنتاگون گفت بخشی از پولی که اخیراً کنگره تصویب کرد ممکن است توی صندوق مجاهدین برود، او اضافه کرد: «نیروهای ویژه جدید با مجاهدین خلق کار میکنند. دولت بوش بی‌صبرانه منتظر نتیجه است.» او همچنین گفت: «هیچ نهادی که دفتر حساب مجاهدین را کنترل کند وجود ندارد، و رهبران آنها سالهاست که جیب‌هایشان را پر میکنند. فقط اگر مردم میدانستند چقدر مجاهدین میگیرند و چقدر پول به حساب‌های بانکی آنها میرود، و علیرغم این برای اهداف آمریکا هیچ فایده‌ای ندارند.»

*هرش در ادامه می‌نویسد گزارش شده است ایالات متحده مخفیانه از پژاک حمایت میکند. به گفته گاردینر، استراتژیست نظامی، درگیری مسلحانه پژاک با ایران و عملیات تروریستی آن علیه هدف‌های ایرانی اخیراً بطور چشمگیر افزایش یافته است. [در مقاله تعدادی از درگیری‌ها که در رسانه‌های رژیم هم منعکس شده، ذکر شده است. م] گاردینر به سفر مالکی و اظهارات او مبنی بر ممنوعیت حضور مجاهدین در عراق بعد از این سفر اشاره میکند. مالکی بعد از این سفر گفت عراق مایل نیست مرکز عملیات سری علیه کشورهای دیگر باشد. به نظر گاردینر این موضع مالکی که در تقابل با پروژه سری بوش است نشان‌دهنده آن است که عراق به منافع خود نسبت به منافع آمریکا اولویت میدهد. به گفته گاردینر چنین نشانه‌هایی در مورد دولت پاکستان نیز دیده میشود که اخیراً موافقت کرد سران جنرال‌ها را به ایران پس بدهد. به نظر گاردینر سیاست آمریکا دولت‌های عراق و پاکستان را به نزدیکی با رژیم ایران می‌کشاند.

فشار دفتر چینی برای اجرای مدل عملیات وزیرستان و سومالی در ایران

*هرش در ادامه مینویسد عملیات منجر به کشتار در نیروهای ویژه نیز نگرانی ایجاد کرده است. این عملیات شبیه مدل عملیات در وزیرستان برای کشتن رهبران طالبان است که به موفقیت‌هایی هم انجامید. ولی یک افسر اطلاعاتی سابق به هرش گفت آن عملیات موفق بود زیر کوچک بوده و آدم‌های کارآمدی از سیا و نیروهای ناتو با اتکاء بر موشک‌ها و ابزار پیشرفته جنگی آن را پیش بردند.

اما هرش خاطر نشان میکند حتی همان عملیات نیز به کشتن مردم غیرنظامی افغانستان انجامید. از جمله قتل ابولطیف ابولیبی در 21 ژانویه امسال که طی آن 11 شهروند غیرنظامی افغان کشته شدند. طالبان نیز براساس گزارش واشینگتن پست، ده‌ها نفر از مردم، مظنون به دادن اطلاعات به آمریکا و متحدانش را کشتند. تصور می‌رود بسیاری از قربانی‌ها برای آمریکا جاسوسی میکردند. اعدام آنها، یک مورد سربریدن، در ویدیو ضبط شده و بعد پخش شد.

*مقام اطلاعاتی سابق به هرش می‌گوید نسخه برداری و تکرار همان مدل عملیات در ایران چندان ساده نیست. همه مشغول بحث در مورد، نشانه‌گیری هدف‌های با ارزش، هستند. [مقصود ترورهای گزینشی است. م] ماموران نیروی ویژه به شدت برآشفته‌اند زیرا دفتر چینی اهدافی را که باید زده شوند اولویت بندی کرده و حالا او دارد بی‌قرار میشود و برای به دست آوردن نتیجه فشار گذاشته است. ولی به زمان درازی نیاز است تا آدم مناسب را در جای لازم بگذاری.

منبع وابسته به پنتاگون نیز به هرش گفت آنها دارند اکنون نتایج درخشان عملیات سری را که در شاخ آفریقا به اجرا گذاشته بودند و طی آن از افراد محلی و تقلب در حمل پرچم استفاده میشد، در افغانستان پیاده میکنند. اما شتاب دیک چینی برای اینکه بتواند اینگونه عملیات را در ایران پیاده کند، عملاً طرح را در نطفه خفه میکند. به گفته او: «زدن و ترور اهداف و اشخاص گزینش شده در وزیرستان یک چیز است و در ایران چیز دیگر. کاخ سفید تصور میکند یک سایز برای همه مناسب است، ولی مسائل قانونی در مورد قتل خارج از دستگاه قضایی در وزیرستان به مساله بزرگی تبدیل نمی‌شود، چون القاعده و طالبان از مرز عبور کرده و وارد و خارج میشوند. در ایران ملاحظات قضایی، استراتژیک و سیاسی متفاوت است.» او همچنین به هرش گفت: «در درون جامعه اطلاعاتی مخالفت عظیمی با برپا کردن جنگ مخفی در داخل ایران با استفاده از عوامل بلوچ‌ها و اهواری وجود دارد. رهبران، عملیات ویژه، همه از نظر فیزیکی بسیار با شهامت هستند، ولی آنها صدای اعتراض‌شان را بلند نمی‌کنند. ایران وزیرستان نیست.»

*یک نظر سنجی موسسه گالوپ در ماه نوامبر، همان وقت که گزارش سازمان‌های اطلاعاتی منتشر شد، نشان میداد 73 درصد نظر دهندگان با استفاده از ابزار اقتصادی و دیپلماتیک برای جلوگیری از برنامه هسته‌ای ایران موافق بودند. تنها 26 درصد آنها با اقدام نظامی مستقیم موافق بودند. جمهوریخواهان دو برابر بیش از دمکرات‌ها از حمله نظامی دفاع میکردند.

به گفته هرش تردیدی نیست که خستگی از جنگ عراق باعث شده مردم کمتر بتوانند یک جنگ دیگر با ایران را تحمل کنند. ولی به نظر او اوضاع میتواند به سرعت تغییر کند. ماجرای قایق‌ها در خلیج فارس در ژانویه امسال خطر بالقوه موجود در وضع کنونی را نشان داد. هرش یادآوری میکند در این ماجرا پنتاگون گفته بود امواج رادیویی از قایق ایران را ضبط کردند که تهدید میکرد می‌خواهد کشتی آمریکا را منفجر کند. «پرزیدنت بوش که برای سفر یک هفته‌ای به خاورمیانه رفته بود حرکت قایق‌ها را، تحریک آمیز، و خطرناک، توصیف کرد. دو دقیقه تا جنگ، عنوان رسانه‌های انگلیسی بود.»

این بحران را آدمیرال کوین کاسگریف فرمانده نیروهای دریایی آمریکا در منطقه فروخواباند. او از مقر خود در انگلستان به نمایندگان رسانه‌ها در پنتاگون گفت: «هیچ شلیک اخطار دهنده‌ای صورت نگرفت. بله، موضوع جدی‌تر از آن است که دیده ایم. ولی باید به زمینه اوضاع نگاه کرد. ما با سپاه پاسداران انقلاب و نیروی دریایی آنها مرتباً تعامل داریم. من چنین درکی نداشتم که ما از این 5 قایق ترسیده بودیم.»

یک هفته بعد پنتاگون با اعلام اینکه صدا نه از قایق‌ها بلکه از پارازیت محلی می‌آمد بر حرف آدمیرال صحه گذاشت. با وجود این، به گفته یک مقام سابق اطلاعاتی، این اقدام آدمیرال، خشم دیک چینی را برانگیخت. ولی درسی گرفته شد: نظرموم به اقدام متقابل بود و مردم حتی می‌پرسیدند چرا آمریکا به اقدام تندتری دست نمیزند.

به گفته این مقام چندهفته بعد اجلاسی در دفتر دیک چنی برگزار شد. موضوع آن عبارت بود از: چگونه میتوان یک دست آویز بزرگ خصمانه بین تهران و واشینگتن ایجاد کرد.

یوشکافیشتر: بسته پیشنهادی اروپا راه را باز کرده است

* در ماه ژوئن پرزیدنت بوش سفری به اروپا داشت که رسماً سفر خداحافظی بود و طی آن با ملکه انگلیس چای و با سارکوزی و همسرش شام خورد. اما مساله جدی تر یک سری ملاقات ها برای جلوگیری از برنامه هسته ای ایران بود که موضوع آن علنی نشده است. رایس در تدارک برای یک بسته پیشنهادی جدید شرکت داشت، ولی موضع واشینگتن توقف غنی سازی قبل از شروع مذاکرات است که ایرانی ها آن را رد کرده اند.

بعد از انتشار مقاله یوشکافیشتر که در آن گفته اگر پیشنهاد جدید پذیرفته نشود اوضاع بطور مرگباری سخت خواهد شد، هرش با فیشتر صحبت کرد. فیشتر که به گفته هرش ارتباطات گسترده ای در محافل دیپلماتیک دارد به او گفت پیشنهاد جدید اروپایی ها حاوی یک عنصر جدید است: این پیشنهاد میگوید ایرانی ها باید ساختن سانتریفوژهای جدید را متوقف کنند و طرف مقابل باید هر نوع افزایش تحریم های شورای امنیت را متوقف کند، هرچند ایران هنوز باید کلیه فعالیت های غنی سازی را متوقف کند تا مذاکرات رسمی آغاز شود. فیشتر اضافه کرد: این میتواند برای ایرانی ها، اگر حسن نیت داشته باشند، قابل قبول باشد. فیشتر اضافه کرد سوال بزرگ مربوط به واشینگتن است: من فکر میکنم آمریکایی ها عمیقاً درمورد چگونگی برخورد به ایران اختلاف دارند. بعضی از مقامات نگران عواقب حمله نظامی هستند و برخی دیگر فکر میکنند حمله غیرقابل اجتناب خواهد بود. من اروپایی ها را می شناسم، ولی اصلاً نمیدانم آمریکایی ها در مورد این مساله کار را به کجا خواهند رساند.

* در پایان مقاله، هرش به مساله انتخابات و نظرات اوباما و مک کین در رابطه با ایران می پردازد که در آن اشاره رفته است مک کین حتی با تدارک شرایطی که مذاکره امکان پذیر شود مخالفت میکند. در این بخش آمده راندی شونمان مسوول سیاست امنیت ملی مک کین در کمپ انتخاباتی او که یک نومحافظه کار شناخته شده است رابط مک کین با کاخ سفید و دوست دیوید ادینگتون مسوول دفتر دیک چنی است. برخی شونمان را نامزد پست مشاور امنیت ملی برای مک کین میدانند. هرش اضافه میکند معلوم نیست مک کین که عضو کمیته نیروهای مسلح سنا است، در مورد برنامه، عملیات سری در ایران، گزارش داده است یا نه. در کنفرانس آپیک در ماه ژوئن اوباما موضع خود را در مورد، دیپلوماسی اصولی و سخت گیرانه، تکرار کرد، ولی او هم مانند مک کین تاکید کرد گزینه نظامی را روی میز نگاه خواهد داشت.

*مقاله اندرو کابرن در باره حکم سری بوش

<http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20080503025701.html>

*مقاله سیمورهرش در نیویورکر

http://www.newyorker.com/reporting/2008/07/07/080707fa_fact_hersh?currentPage=all

*گزارشات بی بی سی و رادیو فردا از مقاله هرش

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2008/06/080629_wmt-hersh-covert.shtml

http://www.radiofarda.com/Article/2008/06/29/f5_newyorker_Hersh_Preparing_Battlefield.html